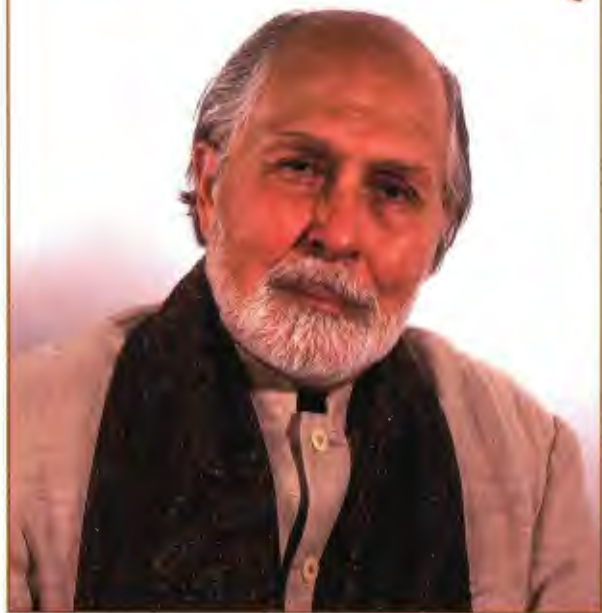


کتابشناسی کامل و جامع آثار

پروفیسور حسین نصر



مشمول بر تمامی کتاب‌ها و مقالات ایشان از سال ۱۹۵۸ تا کنون

نویسنده و مترجم: سعید دهقانی



قصیده سرا

کتاب‌شناسی جامع و کامل آثار

پروفسور سید حسین نصر

(مشمول بر تمامی کتاب‌ها و مقالات ایشان از سال ۱۹۵۸ تا کنون)

تألیف، ترجمه و گردآوری

سعید دهقانی



تصیّدسرا

کتابشناسی



قصیده سرا

تلفن: ۶۶۹۷۲۸۷۰

کتابشناسی جامع و کامل آثار پروفسور سید حسین نصر

تألیف، ترجمه و گردآوری: سعید دهقانی

آماده‌سازی قبل از چاپ: زهرا عزیزی

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۵۴-۰۳-۰

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

ghasidehsara@gmail.com

میدان انقلاب - شهدای زاندارمری - بین منبری جاوید و ۱۲ فروردین -

بن بست مرکزی - پلاک ۱ - واحد ۵

سرشناسه:

دهقانی، سعید، ۱۳۵۰

عنوان و نام پدیدآور: کتابشناسی جامع و کامل آثار پروفسور سید حسین نصر (مشمول بر تمامی کتابها و مقالات ایشان از سال ۱۹۵۸ تا کنون) / تألیف، ترجمه و گردآوری: سعید دهقانی

مشخصات نشر:

تهران قصیده سرا ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۲۵۰ صفحه ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۵۴-۰۳-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع:

کتابشناسی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۵۵/۵۹۵۵/۷۸۸

رده بندی دیویی: ۰۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۲۷۲۰۶

تقديم به

حكيم الهی و استاد اخلاق جناب آقای دکتر غلامرضا اعوانی

(آیدهُ الله بروح القدس و زَید عَزَّهُ).

فهرست مطالب

مقدمه.....	۷
چکیده آرا.....	۹
هندسه معرفتی و اندیشه‌های سید حسین نصر.....	۱۵
۱- اعتقاد به سنت الهی.....	۱۵
۲- التزام به شریعت.....	۲۰
۳- عرفان و معنویت.....	۲۲
۴- وحدت متعالی ادیان.....	۲۹
۵- کثرت‌گرایی باطنی دینی.....	۳۸
۶- علم قدسی.....	۴۶
۷- نقد مدرنیته.....	۵۸
۸- مخالفت با روشنفکری سکولاریسم.....	۶۹
۹- حکمت خالده یا فلسفه جاویدان.....	۷۵
دسته‌بندی کلی آثار سید حسین نصر.....	۹۰
بررسی کلی اندیشه متعالی نصر.....	۹۵
بسترهای تاریخی و عقلانی اندیشه متعالی نصر.....	۹۸
یادداشتی بر اثر حاضر.....	۱۰۸
علائم اختصاری زبان‌ها.....	۱۱۱
کتاب‌شناسی جامع و کامل آثار سیدحسین نصر.....	۱۱۳
کتاب‌ها.....	۱۱۳
مقالات.....	۱۳۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

پروفسور سیدحسین نصر، از اندیشمندان و فیلسوفان معاصر در سطح جهانی و بین‌المللی است که در معرفی حکمت و فلسفه اسلامی به متفکران و دانشمندان خارجی و داخلی، سهم بسیار مهمی دارد. تلاش‌های مستمر و جایگاه ایشان در معرفی اسلام و فلسفه اسلامی و برخی از نمایندگان آن به جهان غرب بر محققان پوشیده نیست. دیدگاه خاص ایشان در مواجهه با مدرنیته و طرفداری از سنت‌گرایی، موجب قرار گرفتن وی در کانون توجهات فیلسوفان و حکیمان و علاقه‌مندان به این مباحث شده است. نصر همزمان با ترویج فرهنگ اسلام و ایران، به تبیین مبانی سنت‌گرایی اهتمام می‌کند. سنت‌گرایی جریانی است که در قرن پیش با تلاش‌های رنه گنون، کواراسوامی و شوان تأسیس شد. سنت‌گرایان با مادیت و خود‌نسیانی و خدا فراموشی تمدن مدرن مبارزه کرده، به بازگشت به اصول حکمت جاودان دعوت می‌کنند. آشنایی با افکار این فیلسوف جهانی که به نوعی دربرگیرنده اطلاع از آموزه‌های سنت‌گرایی نیز است، مستلزم بررسی اصلی‌ترین مولفه‌ها در هندسه معرفتی ایشان است. اکنون مهم‌ترین مدافع این جریان فکری در سطح جهان، پروفسور سید حسین نصر است.

کتابشناسی جامع آثار پروفسور سید حسین نصر، در حقیقت معرفی کامل کتاب‌ها و مقالات ایشان از زمان نگارش‌شان در سال ۱۹۵۸ میلادی تا ابتدای سال ۲۰۱۸ میلادی است؛ اما پیش از پرداختن به معرفی آثار ایشان، لازم و بایسته است تا هم به صورت اجمال و هم به صورت تفصیل، با

تحلیل و بررسی محتوا و مضامین موضوعات مندرج در خلال این آثار، گزارشی از خلاصه تمام آرا و اندیشه‌های این دانشمند مسلمان معاصر را در ضمن فصولی چند ارائه دهیم تا خواننده فهیم و تیزهوش فارسی، بیشتر با بطن و متن این آثار ذی‌قیمت آشنایی حاصل کند. آثار هر اندیشمندی، در حقیقت، بیانگر دغدغه‌های فکری او در زمانه خود و نحوه مواجهه او با آن موضوعات است. با تحلیل و بررسی انتقادی آثار مکتوب یک مؤلف، بهتر و بیشتر می‌توان از فضای فکری نویسنده آن آثار مطلع شد.

این کتاب‌شناسی، نکات بدیع و تازه‌ای را از آراء و اندیشه‌های سنت‌گرایان به ویژه دکتر سید حسین نصر و آثار مکتوب ایشان در اختیار خواننده قرار می‌دهد و چکیده‌ای از افکار و تأملات فردی وی را در طول بیش از شش دهه گذشته، به کسانی که حوصله چندانی برای مطالعه عمیق آثار مفصل او ندارند، عرضه می‌دارد؛ ضمن آنکه، آثار تفصیلی نصر غالباً به موضوع خاصی پرداخته و نیز با اصطلاحات و عبارات دشوار فنی، بیان شده است؛ ولی این اثر ضمن آنکه از تنوع و جامعیت خاصی برخوردار است، می‌کوشد تا با بیانی روان و به دور از پیچیدگی، خواننده را با ابعاد مختلف آرا و افکار سنت‌گرایان به ویژه نصر آشنا سازد.

بسیاری از کتاب‌ها هستند که تنها به یک قوم و ملت اختصاص دارند و از حدود مرز یک کشور فراتر نمی‌روند، بسیاری دیگر نیز هستند که در میان ملل دیگر هم خواننده دارند اما تنها مورد پسند طبقه روشنفکر یا مردم عادی یا طبقات ممتازند؛ اما آثار نصر در میان اهل خود، تمام حصارهای جغرافیایی و نژادی و اجتماعی و طبقاتی را درهم شکسته و نام خود را با دنیا و بشریت گره زده است.

چکیده آرا

دکتر نصر امتیازات و ابتکارات علمی فراوان و متعددی دارد. میان اجزای منظومه فکری ایشان، ارتباط منطقی و منسجم برقرار است. تسلط وی بر تاریخ علوم و فلسفه اسلامی حقیقتاً بی نظیر است. او غرب و دوره‌های مهم فلسفی آن را به خوبی شناخته و در شناخت ادیان و فرهنگ‌های مختلف، مطالعات تطبیقی فراوانی انجام داده است. دکتر نصر در کنار این مباحث، ابتکارات و نوآوری‌هایی نیز کرده است که برخی از آنها به دغدغه‌های نو، بعضی به رویکردهای تازه، و پاره‌ای دیگر به نظریات جدید مربوط می‌شود. دغدغه نصر درباره حل بحران بشر کنونی نسبت به محیط زیست، منحصر به شخص وی نیست؛ اما نگاه خاص او به رفتار انسان مدرن با محیط زیست و همچنین راه حلی که برای حمایت از محیط زیست پیشنهاد می‌کند، دیدگاهی نو است. او ریشه بحران محیط زیست را در نبود معنویت دیده است و راه برو رفت آن را در بازگشت به نگاه اسلامی به طبیعت می‌داند. او می‌کوشد رویکرد خاصی را در مطالعه طبیعت ارائه دهد که توجه به مبدأ توحیدی، رکن اصلی آن است. این دیدگاه، دست‌کم در غرب معاصر تازگی دارد.

وی بحران کنونی غرب را به درستی دریافته است و نسخه درمانگر آن را بازگشت به "علم قدسی" می‌داند. نصر ضرورت توجه به علم قدسی و جهان‌بینی الهی را مدتها پیش دریافت و برای احیای آن گام اساسی برداشت. این دغدغه و تلاش، جداً ستودنی است. بازگشت به علم قدسی و تقد علم جدید، هدف مشترک تمام سنت‌گرایان است؛ اما سهم نصر در معرفی علم قدسی به جهانیان بیش از دیگران است.

توجه به ابعاد متنوع دین و ضرورت حضور فعال آن در عرصه‌های مختلف حیات انسانی و مخالفت با سکولاریسم، از دیگر امتیازات نصر است. او همواره بر ضرورت حضور حداکثری دین در جامعه تأکید کرده است. اصرار او بر امکان مسلمانی در کانون تجدد، از دیگر امتیازات منحصر به فرد اوست؛ امری که بسیاری از قیام به انجام آن در بلاد مغرب زمین ناتوان بوده‌اند.

تبیین وی از حقوق بشر، آزادی، جهاد و جنبش‌های مقاومت اسلامی از منظر عقلانی و اسلامی، ستودنی و برای غرب معاصر تازه است. در وضعیتی که غرب در صدد تصویرسازی اسلام محبت ستیز و اسلام ضدتعقل است، اهتمام نصر در تبیین جنبه‌های زیبای دین اسلام و کارآمدی آن، در کارزار جهان مدرنیته درخور تحسین است. وی در طول سالیان سال، نماینده اسلام رحمانی و عقلانی برای غربیان بوده است.

رویکرد نصر هنگام مطالعه ادیان، جست‌وجوی فهم منطق درونی حاکم بر آنها و توجه سنت‌گرایانه به اجزای دین مورد مطالعه است. این رویکرد، در مطالعات تطبیقی ادیان، ابتکاری مهم محسوب می‌شود و ویژگی منحصر به فرد اوست. چنین رویکردی او را درست در نقطه مقابل شرق‌شناسانی قرار می‌دهد که با پیش فرض‌ها و مبانی فکری و فلسفی خاص خود، به مطالعه ادیان و فرهنگ‌ها و سنت‌های دیگر جهان می‌پرداختند. وی به حفظ آیین‌های خاص هر دین معتقد است. نباید فراموش کرد که توجه ویژه نصر به ابعاد عرفانی و باطنی ادیان و گذار از نمادهای متغیر برای رسیدن به حقیقتی ثابت و ازلی، در محافل آکادمیک جهان، الگوی بدیعی در دین‌پژوهی آفرید.

در زمینه هنر نصر به خوبی موفق شده است کاستی‌های هنر جدید را دریابد و کوشیده، هنر اسلامی را با تأکید بر اصالت معنویت و تفکر اسلامی تبیین نماید. وی از نخستین فیلسوفانی است که به ابعاد هنری دین اسلام و نیز معانی فلسفی و نمادین هنر توجه ویژه‌ای کرده است.

نصر کوشیده است تا تأثیر تصوف را در معماری و موسیقی تحلیل کند. وی همچنین از معدود کسانی است که با بهره‌گیری از "عالم خیال" و مفهوم "فضا" در فلسفه اسلامی، به تفسیر مینیاتورا ایرانی اقدام کرده است.

آشنایی و تسلط نصر با فلسفه اسلامی از سویی، و با فرهنگ و زبان و فلسفه مغرب زمین از سوی دیگر، وی را قادر ساخت تا فیلسوفان سنتی مسلمان را برای نخستین بار به جهان معرفی کند. آشنایی مغرب زمین با فیلسوفان پس از ابن رشد، از سهروردی و ملاصدرا گرفته تا ابن عربی و حاج ملاهادی سبزواری و علامه طباطبائی و سایر فیلسوفان مکتب شیراز، اصفهان، تهران و آذربایجان همگی مرهون تلاش‌های خستگی‌ناپذیر این فیلسوف مسلمان ایرانی است. تسلط بر زبان‌های مختلف موجب شده است تا مفاهیم معرفتی را در زبان‌های گوناگون به طور گسترده ریشه‌شناسی (ایتمولوژی) کرده، تفاسیر کامل تری ارائه نماید.

این اندیشمند معاصر، از کم توجهی بسیاری از مسلمانان به غنای گنجینه معارف اسلامی ناخرسند است و برای احیای آن تلاش بسیاری کرده است. نصر در شناساندن و معرفی ابعاد ظاهری و باطنی این مجموعه نفیس اسلام (به هر دو معنای عام و خاص)، تلاش‌های بسیار چشمگیری انجام داده است؛ هر چند، بیش از همه، تلاش‌های وی در معرفی ابعاد باطنی دین اسلام بوده است که برای غرب معاصر تازگی داشته است. نصر برخلاف

بسیاری از روشنفکران متجدد که گرفتاری‌های دنیای مسیحیت را به نام ناکارآمدی دین تفسیر می‌کنند، به خوبی میان اسلام و مسیحیت تفکیک کرده و از تعمیم بیجای معایب مسیحیت به نهاد دین پرهیز کرده است.

نصر تلاش می‌کند مسأله رابطه پیروان ادیان مختلف را با یکدیگر، از راه "وحدت متعالی ادیان" حل کند. بدون شک کثرت‌گرایی موردنظر نصر با پلورالیسم جان هیک، فیلسوف شهیر انگلیسی، تفاوت بسیاری دارد و این امر در مجموعه مناظرتی که بین این دو فیلسوف برگزار شد، به خوبی آشکار است.^۱ شاید بتوان گفت که آرای هیک در پلورالیسم دینی بحثی سکولار و در آرای نصر، امری دینی و معنوی است. به عبارت فنی، نصر بین پلورالیسم دینی و پلورالیسم در دین تفاوت قائل است، نکته‌ای که در نزد هیک چندان مورد توجه نیست.

ممکن است در بادی امر چنین به نظر آید که نصر پایه‌های سنت‌گرایی یعنی توجه به سنت و حکمت خالده و تقد غرب مدرن را از دیگران گرفته است اما باید خاطر نشان کرد که وی تنها کسی در دوران معاصر است که در راه اعتلای آن و به ویژه الهی نمایاندن آن مطابق ارزش‌های دینی و اسلامی، تلاش فراوانی کرده است؛ امری که در آثار سنت‌گرایان قبل از او، غایب است.^۲

برای شناخت یک متفکر و آشنایی با آرا و اندیشه‌های او، لازم است تا او موضع خود را درباره چهارمسأله بنیادین معلوم کند. آن چهار مسأله به

۱- نگاه کنید به: عدنان اصلان، *پلورالیسم دینی: راه‌های آسمان* (کثرت ادیان از نگاه جان هیک و سید حسین نصر)، ترجمه انشالله رحمتی، انتشارات نقش جهان، ۱۳۸۵، مقدمه.

۲- عبدالله محمدی، *سنت، نصر، تجدید: بررسی زندگی و افکار سید حسین نصر*، کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۰، ص ۲۵-۵۶. عمده مطالب این بخش، نقل به محتوا از این اثر است و نویسنده محترم تلاش بسیاری برای گردآوری آن نموده است.

ترتیب عبارتند از: معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی. پاسخ به این چهار پرسش بنیادین، زیر بنا و شالوده فکر و اندیشه هر انسانی است. شناخت هر متفکری نیز در گرو جهت‌گیری و موضع‌گیری او در قبال این چهار مسأله است. به زودی خواهیم دید که نصر در پاسخ به این چهار مسأله، به صورت تفصیلی و عقلانی، قلم زده است. با توجه به گزارش اجمالی فوق‌الذکر، اکنون به بررسی و تحلیل هندسه معرفتی و اندیشه‌های نصر می‌نشینیم و امیدواریم در آرایه گزارش خود، جانب عدالت و درستی را در تفسیر نقل قول‌های ایشان برای مقصد و مقصود مؤلف دانشمند، رعایت کرده باشیم ان‌شاءالله تعالی.

هندسه معرفتی و اندیشه‌های سید حسین نصر

انسجام میان آموزه‌های فکری نصر از ویژگی‌های اندیشه متعالی اوست. به طور خلاصه، می‌توان مهم‌ترین اضلاع فکری این فیلسوف مسلمان را چنین فهرست کرد: اعتقاد به سنت، شریعت‌مداری، عرفان و معنویت، نظریه وحدت متعالی ادیان، کثرت‌گرایی باطنی دینی، علم قدسی، نقد مدرنیته، مخالفت با روشنفکری سکولاریسم، و حکمت خالده. اکنون به توضیح مختصری درباره هر یک از این مؤلفه‌های فکری نصر می‌پردازیم:

۱- اعتقاد به سنت الهی

زیربنایی‌ترین مؤلفه مهم در اندیشه عقلانی نصر عبارت است از: سنت. مسأله سنت در تفکر نصر، بیش از موضوعات دیگر دچار سوءفهم شده است. بسیاری از موضع‌گیری‌ها و انتقادها علیه نصر، به دلیل فهم نادرست سنت در تفکر عقلانی اوست. سنت به معنای عادت و رسم و رسوم و رفتار نیست؛ بلکه سنت در منظومه فکری نصر، اصلی الهی و هدیه‌ای ربانی است که هم در وجود و هم در ادیان، تجلی یافته است و هرگز نباید آن را به معنای عادت و الگوهای موروثی و متروک گذشته دانست. این اصل الهی از طریق وحی، در دین و از طریق نظام وجود، در کل هستی ظاهر شده است. بنابراین، تمام قوانین تکوینی و تشریحی حاصل از وحی کلی را می‌توان "سنت" نامید؛ فلذا در کل عالم هستی، چیزی از دایره "سنت الهی" بیرون نیست. پس سنت، موهبت الهی و ازلی است که انبیا و اولیا و حکما و عرفا مامور کشف و معرفی آن هستند. این هدیه الهی به انسان معتقد، ایمان عقلانی و عقل شهودی عطا می‌کند. این سنت، سنت جاویدان و پایدار و معرفت‌بخش است.

سنت مظاهر متعددی دارد که ادیان مهم‌ترین مظاهر آن هستند. سنت نه این دین خاص یا آن دیگری، بلکه "الدین" است. معنای سنت نزد سنت‌گرایان و نصر تقریباً شبیه مفهوم "سنه الله" یا همان "سنه الاولین" در قرآن است:

سَنَّةُ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلُ وَكُنْ تَجِدُ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا^۱

سنتی که تحویل و تحوّل‌پذیر نیست و عمرش به سر نمی‌رسد. در این تعریف، عالم وجود و انسان ذیل "سنه الله" تعریف شده است و انسان "خلیفه الله" و در عین حال، "عبدالله" است. سنت نگرشی صددرصد الهی به عالم هستی و حقایق آن است و با عقل الهی می‌توان این حقایق را فهمید. حکمت خالده، جاودانگی "الدین" را بیان کرده و بر همین اساس، آن را "حقیقت جاودان" یا "دین جاودان" می‌نامند. قرآن کریم درباره دین می‌فرماید:

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ^۲

از این آیه دو معنا می‌توان برداشت کرد: الف) دین، شریعت اسلام موجود است، ب) دین آن است که عندالله است. دین عندالله با آنچه با فهم بشری و علوم ناقص التقاط یافته است، متفاوت است. فهم دین عندالله، مستلزم فهم الهی است و بدون آن نمی‌توان به باطن دین راه یافت. این امر تنها با استفاده از ولایت ممکن است. ولایت راه را به انسان نمایانده است و احکام دین برای الهی شدن دید انسان است. مقصود از اسلام نیز اسلام تاریخی نیست که هر کسی از آن تعبیر غربی و شرقی دارد.

۱- فتح: ۲۳.

۲- آل عمران: ۱۹.

بنابراین، سنت در گفتمان نصر، حقیقتی است که منشاء الهی دارد و از طریق بزرگانی چون انبیا و اولیاء الهی برای بشر آشکار می‌شود.^۱ وی با طرح سنت، به احیای حکمت خالده در این دوره از زمان اصرار دارد؛ چرا که به اعتقاد او راه‌های طی شده فلسفه جدید به اعتراف بسیاری از پیروان آن، به بن‌بست رسیده است.^۲ خداوند قوانین تکوینی و تشریحی ایجاد کرده است و هدف ادیان و پیامبران کشف و بیان آنهاست. جریان‌های مختلف فلسفه اسلامی، به ویژه حکمت متعالیه ملاصدرا، از مصادیق حکمت خالده به شمار می‌آیند. پیام اصلی حکمت جاودان، تمایز ظاهر و باطن ادیان و بیان کثرت ظاهری و وحدت باطنی آنهاست.

از نگاه نصر، هر دینی از آن روی که دین است در نهایت، دو عنصر بنیادی و اساسی دارد: الف) آموزه‌هایی که مطلق و نسبی را از هم تمییز می‌دهد، ب) روشی که برای متصل شدن به مطلق و زیستن بر طبق اراده عالم بالا و متناسب با مقصد و مقصود وجود بشری است.^۳ این دین، سرآغازی آسمانی دارد که از طریق وحی، حقایق و اصول معینی را متجلی می‌سازد و اطلاق و به کارگیری آن اصول، سنت را تشکیل می‌دهد.^۴ این دین، بر آموزه‌های بنیادین درباره تمایز میان حق و باطل یا واقعیت مطلق و توهم مشتمل بوده و نیز مشتمل بر وسیله‌ای است که آدمی را قادر می‌سازد

۱- سیدحسین نصر، معرفت و معنویت، ترجمه انشالله رحمتی، دفتر نشر و پژوهش سهروردی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵-۱۵۶

۲- همو، دین و نظام طبیعت، ترجمه محمّدحسن فغفوری، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹.

۳- همو، آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام، ترجمه انشالله رحمتی، انتشارات جامی، ۱۳۸۲، ص ۱۳-۱۴

۴- همان، ص ۱۶۴

خویشتن را به حضرت حق متصل سازد؛ اما به لحاظ تجلی زمینی‌اش، حاصل پیوند میان ناموس الهی و جماعت بشری است. به هر حال، بین دین و سنت پیوندی گسست‌ناپذیر حاکم است و این دو کاملاً با هم مرتبط هستند؛ به این گونه که دین بسان وسیله‌ای، انسان را به خداوند پیوند می‌دهد و سنت، محتوای دین را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌سازد.

بنابراین، دین، وجهه الهی سنت و قلب سنت است. از دیدگاه نصر، کلمه "سنت" در معنای لغوی و تبارشناسی آن به معنای "به ارث گذاردن" است. به اعتقاد نصر، سنت فرآیندی است که با آن حقایق و حیانی از نسلی به نسل دیگر واگذار می‌شود. نخستین حلقه رابط سنت، واگذاری و تفویض یک واقعیت از خداوند به انسان است و این نخستین پیوند در زنجیره سنت است. از دیدگاه نصر، این ارتباط با وحی تثبیت می‌شود. حال، هنگامی که خداوند از طریق پیامبران با انسان سخن گفت، آنگاه سنت به معنای متعارف‌اش کاربرد می‌یابد که به همان معنای "انتقال افقی" است. وقتی حقایق به شکل عمودی از خداوند به انسان منتقل شد، این حقایق و حیانی در مرحله انتقال افقی قرار گرفته و نسل به نسل واگذار می‌شود. از این منظر، سنت به معنای "تداوم وحی" است. سنت الهی در ادامه وحی معنوی از خداوند به پیامبران تحقق می‌یابد. از همین روست که عنصر اساسی سنت، انتقال حقایق دینی از نسلی به نسل دیگر بوده و همچنان خواهد بود. همچنین سنت، مجموع حقایق مشترک همه ادیان و حیانی به شمار می‌آید و در همه ادیان اصیل که تنها منبع تحول زمینی و نجات اخروی‌اند، وجود دارد. از این رو، همه ادیان، مُبدئی واحد و گوهری مشترک دارند که همان

"سنت جاویدان" است و مایه و مبنای پیوند ادیان نه تنها با مبدأ کل، بلکه با یکدیگر نیز به شمار می‌رود^۱.

خلاصه اینکه همه ادیان جلوه‌هایی از سنت هستند و سنت، حقایق مشترک ادیان را شکل می‌دهد که با تنوع گونه‌های دینی، گونه‌های سنت پدید می‌آید. چنانچه آن حقایق مشترک در دین اسلام تصور شود، سنت اسلامی و اگر در دین مسیحیت تصور شود، سنت مسیحی گفته می‌شود. نصر از میان سنت‌های گوناگون، به سنت اسلامی توجهی ویژه دارد؛ چرا که به نظر او سنت اسلامی افزون بر مجموعه عقاید و اعمال اصلی، کل کاربرد و شکوفایی تاریخی و متداول آن عقاید و اعمال را نیز در برمی‌گیرد. به عبارت دیگر، هرچند اسلام به مثابه دین، جوانب ثابت کل اسلام (اسلام عام) را شامل است، به مثابه سنت نیز، هم جوانب ثابت و هم جوانب متغیر این دین را شامل می‌شود. اسلام به مثابه دین، ایستا و راکد است؛ حال آنکه به مثابه سنت، پویا و زنده به شمار می‌رود^۲.

هدف سنت پیوند آدمی به مبدأ کل و عالم بالا و آگاهی دادن از آن عالم است^۳. زیستن در تمدن سنتی، تنفس در عالمی است که آدمی در آن با واقعیتی بالاتر از خویش ارتباط دارد؛ واقعیتی که اصول، حقایق، قالب‌ها، موضع‌ها و دیگر عناصر تعیین‌کننده حیات بشری را از آن دریافت می‌کند^۴. این سنت، اصولی را دربردارد که آدمی را مطیع آسمان (ملکوت) و دین می‌سازد؛ زیرا غایت آن، آسمانی شدن و ارتباط با ذات باری تعالی است و

۱- عدنان اصلان، *پلورالیسم دینی*، ص ۱۰۱

۲- همان، ص ۱۰۳

۳- نصر، *معرفت و امر قدسی*، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران، نشر فروزان، ۱۳۸۳، ص ۵۸

۴- همو، *معرفت و معنویت*، ص ۱۷۵.

دین نیز در معنای اصلی‌اش، اصولی را شامل می‌شود که از ملکوت نازل شده است و آدمی را مطیع مبدأ خویش می‌سازد.^۱

نتیجه آنکه، سنت ترکیبی از هر آن چیزی است که انسان را به مبدأ کل و حقیقه الحقایق متصل می‌سازد. اصولاً کیهان‌شناسی ناشی از متافیزیک سنتی، با ارائه تعریفی عرفانی از این جهان، درصدد ارتباط عمیق انسان و آسمان است. در همه ادیان ابراهیمی، این نگاه عرفانی به جهان وجود دارد. این ارتباط عمیق را در تمدن‌های سنتی، کامل‌ترین و بالاترین فرد معنوی برقرار می‌کند. گاهی که کمال، متعلق به آینده توصیف شده است، ظهور "سوشیانته" در دین زرتشتی و "کالکی" در کیش هندو و ظهور مهدی (عج) در دین اسلام با مداخله دیگر بار الهی و توسط کامل‌ترین و بالاترین فرد معنوی صورت می‌پذیرد.

۲- التزام به شریعت

دکتر نصر بر پایبندی به شریعت و مطابقت اعمال و رفتارهای حیاتی با آن تأکید می‌ورزد.^۲ به نظرایشان، شریعت یا قانون الهی اسلام، مرکزیتی اساسی در دین اسلام دارد؛ به طوری که می‌توان گفت: مسلمان یعنی کسی که حقایق شریعت را می‌پذیرد؛ گرچه نتواند به همه احکام و تعالیم آن عمل کند.^۳ سنت‌گرایان برای تمامی وجوه هر سنت و دینی، از فقه گرفته تا عرفان و حکمت، احترام قائل‌اند. در ادیان دیگر نیز بدون اجرای احکام

۱- همان، ص ۱۷۵-۱۷۶

۲- همو، *قلب اسلام*، ترجمه مصطفی شهر آیینی، تهران، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۳، ص ۱۵۲-۱۵۶.

۳- همو، *جوان مسلمان و دنیای متجدد*، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۶، ص

الهی در مرتبه حقوق و فقه، قدم نهادن به سوی وادی عرفان ممکن نیست^۱. نصر هرچند تغییر دین را از سوی افراد جایز نمی‌داند، لکن خاتمیت دین اسلام را امری منطقی می‌شمارد و به دلیل جنبه‌های عقلانی و معنوی اسلام، خصوصاً تصوف و عرفان، بهترین موقعیت را در میان ادیان برای آن قائل است^۲. نصر در تقسیم‌بندی سنتی دین به شریعت و طریقت و حقیقت، حقیقت را موجب سیرابی تمایلات معنوی انسان مدرن می‌داند؛ زیرا افکار انسان مدرن، پر از مفاهیم ضد سنت و اعمالش خالی از امر قدسی است.

از سوی دیگر، به اعتقاد نصر، فلسفه و دین قابل تطبیق با هم و یا مکمل همدیگر و در هماهنگی با یکدیگر هستند، اما اگر بگوییم این دو یکی هستند خیلی دقیق نیست. فلسفه از لحاظ لغوی یعنی "حب حکمت". در این بحث ترمینولوژی اهمیت بسیاری می‌یابد و نصر استادانه به ریشه‌شناسی مفاهیم فلسفه، دین، سنت، علم قدسی و عقل می‌پردازد. حکمت (Wisdom) به انحاء مختلف با دین مرتبط است اما با دین یکی نیست. دین هم معانی گسترده‌تری دارد و البته یکی از این معانی، همان "حب حکمت" است. بنابراین وقتی کسی در متن دین، به دانش و حکمت، عشق می‌ورزد و یا از منظری فلسفی دینداری می‌کند، در حقیقت دین را به بالاترین قابلیت انسانی خود رسانده است. اینجاست که به سخن نصر می‌رسیم که بارها و بارها، اعلام کرده است عقل تنها به معنای (Reason) یا عقل جزئی نیست؛ عقل، تنها به معنای قوه فلسفه ورزیدن، آنهم به معنای سطحی آن نیست. از دیدگاه نصر، عقل در بالاترین معنا، قوه‌ای معنوی است؛ قوه‌ای که قادر به

۱- همان، ص ۱۱۰-۱۱۲

۲- همان، ص ۱۱۵-۱۲۰